

رسالة

زباندار اربعین

شامل:

بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین

عزیزتین

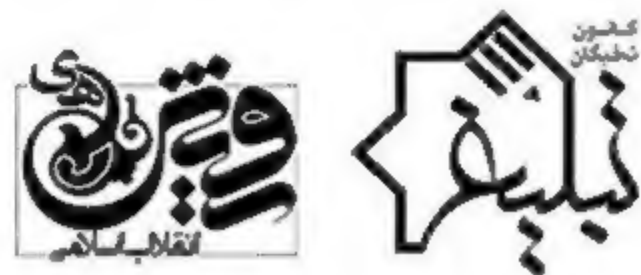
مغناطیس پُر جاذبه‌ی حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود
جذب کرد؛ رفتن جابر بن عبدالله و عطیه به زیارت امام حسین در روز
اربعین، سر آغاز حرکت پُربرکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز، پیوسته و
پی‌درپی این حرکت پُرشکوه‌تر، پُر جاذبه‌تر و پُرشورتر شده است و نام و
یاد عاشورا را روز به روز در دنیا زنده‌تر کرده است.

رحمة الله علیه
حضرت آیت الله العظمی

۱۳۸۵/۰۱/۰۱

قال النبی حسین مَن نَّانِ حُسین

تهیه و تنظیم : کانون نخبگان تبلیغ /
مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی
/ کمیته ی فرهنگی و آموزشی ستاد اربعین
به کوشش : طه قدوسی
طرح جلد و صفحه آرایي : محسن بهرامی
ویراستار : سید علی حسینی، ابوالفضل حاج عبدالصمد
مترجم : سید مقدم حیدری



فهرست مطالب :

مقدمه

احوال پرسی

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

پزشکی و دارویی

انتقال معارف انقلابی

اسکان

در مرز

جملات محبت آمیز و تعارفی

ضرب المثل های عربی

اعداد و ایام هفته

مقدمه

زیارت اربعین حسینی که در روایت نورانی امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه های مومن قلمداد شده است، چند سالیست که به فضل الهی در بین عموم شیعیان و محبین حضرت سیدالشهداء علیه السلام فراگیر و با آیین با شکوه پیاده روی از مکان های مختلف به سمت کربلای معلا همراه شده است.

هر ساله شاهد جمعیت میلیونی زوار حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام هستیم که توسط ملت با کرامت عراق مورد پذیرایی و استقبال قرار می گیرند و حجم بالای جمعیت و مهمان نوازی مخلصانه و کریمانه ملت عراق که به صورت مردمی و بدون کوچکترین حادثه در نهایت هماهنگی صورت می پذیرد، انگشت حیرت هر بیننده ای را به دندان می گیرد.

فرصت پیاده روی اربعین و حضور جمعیت میلیونی عاشقان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در موکب های حسینی فرصت مناسبی است که در صورت استفاده مناسب زمینه ارتباط حداکثری امت اسلامی و تقویت و استحکام روابط را محقق می کند.

بر سر راه این مهم قفل بزرگ اختلاف زبانی وجود دارد که مانع ارتباط بیشتر و صمیمانه تر ملت ها و ملت عراق می گردد.

بارها شاهد آن بوده ایم که جماعتی از مردم ایران در خانه ای و یا موکبی مورد پذیرایی قرار گرفته اند، ولی توان تشکر و قدردانی از زحمات میزبان و ارتباط برقرار کردن با او را که منجر به رفاقت و صمیمیت دائمی بین آنها باشد را نداشته اند تا شاید روزی میزبان آنها در یکی از شهرهای ایران اسلامی باشند.

مجموعه ای که پیش روی شماست شامل بیش از ۲۵۰ عبارت مفید و ضروری مخصوص ایام اربعین حسینی است که توسط دانش آموزان مجتمع آموزشی رویش های انقلاب اسلامی برای زائر اربعین جمع آوری و ترجمه گردیده است.

امتیاز ویژه آن این است که عبارات مورد نیاز از زبان فارسی هم به زبان عربی فصیح و هم لهجه محلی عراقی ترجمه گردیده است.

ویژگی دیگر این کتاب بخش جملات تعارفی و محبت آمیز است.

مردمان عراق، مردمانی خونگرم و تشنه محبت هستند و در قبال این نوع جملات واکنش های بسیار خوب و مهربانانه ای از خود نشان می دهند.

پیشنهاد های مشفقانه شما عزیزان در جهت هر چه بهتر شدن این جزوه برای سال های آینده را پذیرا هستیم.

با تشکر از همه اساتید، که مشوق انجام این کار بودند.

احوال پر سی

فارسی		عربی فصیح	عربی عراقی
سلام صبح به خیر / شب به خیر	السلام علیکم وصبحکم الله بالخیر / مساکم الله بالخیر		
حالت چه طور است؟	كيف الحال؟	شلون الصحه؟	
خوب هستی ان شاءالله؟	بخیر إن شاء الله؟	إن شاء الله زین؟	
ممنون خوبم	شکرا بخیر	شکرا زین	
الحمدالله که سلامت هستی	الحمد لله على سلامتک		
هوا خیلی گرم / سرد است	الجو حار / بارد جداً	الجو هوايه حار / بارد	
خسته شدی؟	هل تعبت؟	تعبت؟	
بله خیلی / نه اصلاً	نعم تعبت كثيراً / لا أبداً	إی تعبت هوايه / لا أبداً	
اسمت چیه؟ (اسم کریمت چیه؟)	ما اسمک؟ ما اسمک الکریم؟	شِسْمَک؟ شِنو اسمکم الکریم؟	
از کجا آمده ای؟	من أين أتیت؟	من وین جای؟	
اهل کجا هستی؟	من أي بلد أنت؟	إنت من وین؟ من یا بلد؟ من یا مدینه؟	
من ایرانی هستم	أنا إيراني	آنی ایرانی	
من اهل شهر قم / تهران ... هستم	أنا من مدينة قم / طهران ...	آنی من مدینه قم / طهران ...	
به چه شهرهایی می خواهی بروی؟	إلى أي مدن تريد أن تذهب؟	لیا مدُن تَريد تُروح؟	
من به کربلا میروم (نجف)	أنا ذاهب إلى كربلاء / النجف.	آنی رایح لکربله / للنجف	
چند روز است که در راه هستی؟	کم يوم وأنت فی الطريق؟	صار لک کم (چم) يوم بالطریق؟	
(چند روزه که این جایی)	کم يوم وأنت هنا؟	صار لک کم يوم هنا (إهنا)	
چند سالت است؟	کم عمرک؟	شَگد عُمُرک؟	

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ببخشید من عربی ام زیاد خوب نیست	عفوا أنا لا أجيد العربية	عفوا عربیتی مو زینه / مو جیده
می تونی انگلیسی صحبت کنی؟	هل تستطيع أن تتكلم بالانجليزية؟	تگدر تحپی انگلیزی؟
شما چه کاره هستید؟	ما هو شغلک؟	شنو شغلک؟
دانش آموز / دانشجو / طلبه / کاسب / کارمند / معلم / بازنشسته	طالب / طالب جامعی / طالب فی الحوزة / تاجر / موظف / معلم / متقاعد	
اوضاع عراق چطور است؟	كيف الأوضاع في العراق؟	شلونها أوضاع العراق؟ شنو أوضاع العراق؟
چه خبر از داعش خبیث؟	ما هي أخبار داعش الخبيثة؟	شاخبار (شخبار) داعش؟
چه استان هایی الان دست داعش هست؟	ما هي المحافظات التي سقطت بيد داعش؟	هيسه یا محافظات بيد داعش؟
سامرا الان امنيت دارد؟	هل سامراء آمنة؟	سامره آمنه الآن؟
چطور می تونم برم سامرا؟	كيف أستطيع الذهاب إلى سامراء؟	شلون أگدر أروح لسامره؟
تو کربلا / نجف اسکان سراغ دارید؟	هل تعرف عن سكن في كربلاء / النجف؟	تُعرف سَكنَ كربلاء (بکربله) / بالنجف؟
هزینه ات چقدر شده است؟	كم بلغ مصرفك؟	شگد صار مصرفک؟
آیا ازدواج کردی؟	هل أنت متزوج؟	متزوج؟ / إنت متزوج؟
نه مجردم / بله متاهلم	لا أنا أعزب / نعم متزوج	لا ممتزوج / إي متزوج.
چند تا بچه داری؟	كم لديك من أطفال؟	شگد عندک...؟
دختر یا پسر؟	ذكور أم إناث؟	ولد لو بنات؟

فارسی

عربی فصیح

عربی عراقی

اسم بچه هات چی هست؟	ما اسم أطفالک؟	شایسمهم (شایسمهم) أطفالک؟
چند سالشون هست؟	کم عمرهم؟	شگد عمرهم؟
مدرسه میروند؟ کلاس چندم اند؟	هل یذهبون إلى المدرسة؟ فی أى سنة دراسية یدرسون؟	یرحون للمدرسة؟ یا سنة یدرسون؟
ابتدایی / راهنمایی / دبیرستان	ابتدائية / متوسطة / ثانوية	
این شماره تلفن من است	هذا رقم هاتفی	هذا (هاذه) رقم موبایلی
این آدرس من در شهر (قم) است	هذا عنوانی فی مدینه قم	هذا عنوانی بقم
اگر ایران اومدی حتما بیا منزل ما	إذا زرت ایران ففضل فی بیتنا أكیدا	إذا جیت لإیران أكید عود تعال لبیتنا
این کارت و شماره تماس من است	هذه بطاقتی ورقم هاتفی	هاذی بطاقتی ورقم الاتصال بیّه
آدرست کجاست؟	أین عنوانک؟	وین عنوانک؟
ممکنه شماره تلفنتون رو داشته باشم؟	هل یمکن أن تعطینی رقم هاتفک؟	ممکن آخذ رقم موبایلک؟
او کیست؟	من هو؟	هذا (هاذه) منو؟
باکی اومدی پیاده روی؟	مع من مشیت الطريق؟	و یا من جیت مشایه.
تنهایی / با خانواده / با دوستان / با یک کاروان زیارتی	وحدک (وحدی) / مع الأسرة (مع العائلة) / مع الأصدقاء (الإخوة) / مع حملة زیارة	... و یا الأسرة / و یا...
این چیه؟	ما هذا؟	هذا شنو؟
بفرمایین (آب / چایی / قهوه)	تفضل ماء / شای / قهوه	مای / چای / گهوه
ماساژ نیاز داری؟ ماساژت بدهم؟	هل أدلک جسمک؟ هل تحتاج إلى تدلیک؟	ترید أدلکک / ترید أمر خلک؟ / تحتاج تدلیک / تمریخ / مساج؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
بفرمایین این پول را برای امام حسین نذر کردم	تفضل هذه النقود، فقد نذرتها للإمام الحسين (ع)	تفضل، ناذر هاذي الفلوس للحسين (ع)
آیا کمک احتیاج دارید؟	هل تحتاجون إلى خدمة؟	تحتاجون خدمة؟
موكب سرویس بهداشتی و حمام دارد؟	هل الموكب جاهز بمرافق الصحّة والحمام؟	الموكب بی مرافق (توالیئات) و حمام؟
بفرمایین (برای احترام در سرویس بهداشتی)	تكرم / تكرموا *	
خدا از شما قبول کند	تقبل الله أعمالكم	الله يتقبل منكم

* تفضل برای غذا خوردن و وارد شدن به اتاق و خانه است، برای دستشویی فقط از این فعل استفاده کنید.

ارتباطات الکترونیکی و تبدیل ارز

(تلفن - سیم کارت - کارت شارژ - اینترنت - صرافی)

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
کجا می تونم سیم کارت عراقی بخرم؟	أين تباع شرائح للجوّال؟ *	وین یبیعون شرائح؟
سیمکارت عراقی می خواهم	أريد شريحة؟	
میشه برام فعالش کنی؟	هل يمكن أن تفعلها لي؟	ممکن تُفَعِّل لِيّاها؟
چقدر شارژ داره؟	كم مبلغ رصيدها؟	شگد بیهه رصید؟
اینترنتش رو چطور فعال کنم؟	كيف أستطيع أن أفعل الانترنت فيها؟	شلون أفَعِّل الانترنت مالِ الخَط؟
کارت شارژ می خواهم	أريد رصيدا.	أريد رصيد.
می شود این شارژ را برای من وارد کنید؟	هل يمكن أن تدخل لي رقم الصيد؟	تِغْدَر تَدْخُل لي الرّصيد من فضلك؟
قیمت آن چه قدر است؟	كم سعره؟	شگد سِعرَه؟
کجا می تونم موبایلم رو شارژ کنم (پریز برق کجاست؟)	أين أستطيع أن أشحن جوّالي؟ أين نقطة الكهرباء؟	وین اَگدر أَشْحَن موبایلی؟ وین نقطه الکهرباء؟
شارژر می خواستم	أريد شاحنة.	
آیا این جا اینترنت دارد؟ (من اینترنت نیاز دارم)	هل يوجد هنا خط الإنترنت؟ أنا بحاجة إلى إنترنت	اَکو هنا خط أنترنت؟ آنی محتاج أنترنت
کجامیتونم wifi پیدا کنم؟	أين توجد شبكة wifi	وین تَحْصَل شبکه وای فای؟
میتونم باگوشیتون یه تماس بگیرم؟	هل يمكن أن أتصل بجهازك؟	اَگدر أَتْصَل بجهازک؟

* قید عراقی در کشور عراق نیاز نیست، چنان چه شما در ایران هیچ گاه نمی گوید سیم کارت ایرانی می خواهم.

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
من دوستم رو گم کردم شارژم هم تموم شده	أنا قد ضيّعت صديقي وقد انتهی رصیدی	آنی مضیع صدیقی و موبایلی خلصان شحنة / خلصان رصیده
تاکسی های نجف / کربلا کجا می ایستند؟	أین تقف سیّارات کربلاء / النجف؟	وین توگف تکاسی النجف / کربلاء؟
تاکسی می خواستم برای نجف / کربلا / ...	أريد سيارةً تكسي إلى النجف / کربلاء	
کرایه تا کربلا / نجف / ... چه قدر است؟	بكم الأجرة إلى کربلاء / النجف؟	شگد الکروه للنجف / لکربلاء؟
وسیله هایم زیاد است	متاعی کثیر	غراضی هوایه
باید بزارم صندوق عقب	لابد أن أضعها فی الصندوق الخلفی.	لازم أخلیها بالصندوق الورّه.
گران است / تخفیف بده	غال / خفض	غالی / خفض
من را سوار کن / او را سوار کن	رگبني / رگبه	
میشه این سی دی / فلش رو بزارید؟	هل يمكن أن تدخل هذا السی دی / الفلش؟	تگدر تحط هذا السی دی / الفلش؟ / تگدر تدگ...
صداش رو زیاد کنید / کم کنید	صعد صوته / أخفض صوته	علی صوته
خیلی زیباست چه کسی این صوت را خوانده؟	جميل جدًا. من هو الرادود (مداح) / المَقْرئ (قاری قرآن)	هوایه حلو. منو آلی دِیقرّه
کرایه من چقدر می شود؟	بكم صارت أجرتی؟	شگد صارت گروتی؟

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أنا نازل هنا	آنی هُنا نازل / یَمَّک نازل	من این جا پیاده می شوم
ما اسم هذا الشارع؟	شسمه هذا الشارع؟	اسم این خیابان چیست؟
الشارع من أي اتجاه؟	شارع... من یا صوب؟	خیابان..... از کدام طرف است؟
الحضرة من أي اتجاه؟	الحضرة من یا صوب؟	حرم از کدام طرف است؟
كم يستغرق التمشي إلى الحضرة من وقت؟	المشي إلى الحضرة شگد یاخذ وَقْت؟	پیاده تا حرم چقدر طول می کشد؟
أين توجد / يوجد مرافق / مطعم، سوبر ماركت، مستشفى، مصلى، موكب، فندق	وين أكو مرافق / مطعم، سوبر ماركت، مستشفى، مصلى، موكب، فندق	دست شویی کجاست (رستوران، سوپر مارکت، بیمارستان، نمازخانه، موبک، هتل)

پزشکی و دارویی

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
(داروخانه، مطب دکتر، بیمارستان) کجاست؟	أين توجد صيدليّة، عيادة، مستشفى؟	وين أكو صيدليّة، عيادة، مستشفى؟
آیا اینجا دکتر هست؟	هل يوجد طبيب هنا؟	يُخَصِّل / أكو طبيب هنا؟
پایم تاول زده است	ظهرت بثور في رجلى.	رجلى مَفَرِغِسَة / رجلى مَبْطَبُطَة
فکر کنم مسموم شدم	أظن أنى قد تسمّمت.	أَتَصَوَّرُ مِتَسَمِّم؟
من سرم / گلویم / شکمم درد می کند	أشعر بوجع في رأسى / بلاعيمي / بطنى	راسى / بلاعيمي / بطنى يوجعنى / اتوجعنى
او / من بیماری قلبی دارم	أنا عندى مرض القلب / هو عنده مرض القلب	آنى عندى مرض قلب / عنده مرض قلب
اسهال دارم	عندى إسهال	
سرما خوردم / مریض شدم	أصِبت بالزكام / تمرّضت	آنى منشول / آنى انشَلِت / ثَمَرَضِت
حالم خیلی بد است	صحتى سيئة جداً	صحتى مِتْدَهْوَرَة كَلْش
سرگیجه دارم	عندى دوّار	عندى دوخه
آمبولانس می خواهم	أريد سيارة الإسعاف.	أريد سيارة إسعاف.
سرم / آمپول / قرص	مغذى / إبرة / حبوب	
دکتر کجاست؟	أين الطبيب؟	وين الطبيب؟
قرص سرماخوردگی / سردرد / مسکن دارید؟	هل لديكم حبوب للزكام / وجع الرأس / مسكّن	عدكم حبوب للنشلة / لوجع الراس / مسكّن
من کمرم درد می کند	ظهرى يؤلمنى.	ظهرى يوجّعنى
من دیسک کمر دارم	عندى ديسك الظهر	

انتقال معارف انقلابي

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
امروز باید با آمریکا و صهیونیست مبارزه کنیم	يجب أن نحارب أمريكا وإسرائيل اليوم / لازم نحارب أمريکه وإسرائيل اليوم	
جهاد نعمتی است که خداوند به بندگان لایق خودش عطا می کند	الجهاد نعمة يمنحها الله لعباده اللاتقين	الجهاد نعمة، الله ينطیها للی يستاهل
شهید خوشبخت است و شهادت سعادت	الشهيد سعيد والشهادة سعادة	
داعش محصول مشترک آمریکا و وهابیت است	داعش إنتاج مشترك لأمريكا والوهابية	
وهابیت ثمره ی اسلام آمریکایی و انگلیسی است	الوهابية وليدة الإسلام الأمريكي والإنجليزى	
شیعه ای که از لندن تبلیغ دین کند و از انگلیس کمک بگیرد شیعه نیست	الشيعة الذي يبلغ دينه من لندن ويستلم دعما من انكلترا فليس بشيعة	الشيعة الى يبلغ دينه من لندن ويستلم دعم من انكلتره فهذا مو شيعة
نظر شما در مورد قمه زنی چیست؟	ما رأيك حول التطبير؟	شنو رأيك بالتطبير؟
قمه زنی را حضرت آیت الله خامنه ای حرام کردند	سماحة السيد القائد آية الله الخامنئي قد حرم التطبير	سماحة السيد القائد محرم التطبير
هم اکنون قمه زنی به ضرر شیعه در دنیا است	التطبير اليوم بضرر التشيع في العالم	هسته التطبير بضرر التشيع
آیا کسی که با انگلیس و آمریکا مبارزه نمی کند شیعه است؟	هل من لا يحارب انكلترا وأمريكا شيعة حقاً؟	الى من يحارب انكلتره وأمريكا شيعة صدگ؟

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
آمریکا، اسرائیل، داعش، وهابیت همگی مخالف جریان حزب الله هستند	أمریکا وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء لحركة حزب الله	أمریکه وإسرائيل وداعش والوهابية كلهم أعداء حزب الله
داعشی ها سنی نیستند یک گروه تروریستی هستند	الدواعش ليسوا بسنة وإنما هم جماعة إرهابية	الدواعش مو سنة، هذوله جماعة إرهابية
شیعه و سنی باید با داعش خبیث وارد جنگ شوند	لابد للشيعة والسنة أن يحاربا الدواعش الخبيثاء	لازم الشيعة والسنة يحاربون الدواعش الملاحين
شیعه و سنی باید با یکدیگر متحد باشند	يجب على الشيعة والسنة أن يتحدوا معا	لازم الشيعة والسنة يتحدون
ایران از اول انقلاب در خط مقاومت هست	ما زالت إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن في خط المقاومة	إيران من بداية الثورة ولحد الآن بخط المقاومة
این عزت کشور ایران بخاطر ولایت فقیه است	إن عزّة إيران بسبب ولاية الفقيه	عزة إيران هاذی بسبب ولاية الفقيه
جوانان عراقی باید از مکتب شیعه دفاع کنند	يجب على الشباب العراقي أن يدافعوا عن التشيع	لازم الشباب العراقيين يدافعون عن التشيع
ایرانیها در کنار مقاومت مردم عراق تا پیروزی کامل هستند	يقف الإيرانيون مع الشعب العراقي في جبهة المقاومة حتى الانتصار النهائي إن شاء الله	الإيرانيين واگفین وره الشعب العراقي بجبهة المقاومة حتى النصر النهائي إن شاء الله

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
ان شاء الله که هرچه زودتر ملت عراق پیروز شود	إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل	إن شاء الله ينتصر الشعب العراقي في القريب العاجل
مردم عراق باید حول محور مرجعیت آیه الله سیستانی حرکت کنند	يجب على الشعب العراقي أن يتحرك حول محور مرجعية آية الله السيستاني دام ظله	لازم الشعب العراقي يتحرك حول محور مرجعية السيد السيستاني الله يحفظه
خدا همه مجاهدين را حفظ کند	أسأل الله أن يحفظ المجاهدين جميعا	الله يحفظ كل المجاهدين
تاحالا تو جبهه شرکت کردین؟	هل قد ذهبت إلى الجبهة لحد الآن؟	رايح لجبهة ليهسه؟
در کدام مناطق؟	في أي مناطق؟	بیا مناطق؟
خوش به حال شما	هنيئا لك / لكم	نيالك / نيالكم
جهاد در راه خدا دری است از درهای بهشت که خدا به روی بندگان خاص خودش باز می کند	عن أمير المؤمنين (ع): إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَنْ أَحْبَبَهُ وَأَوْلِيَّاهُ.	
سردار سلیمانی در کشور ما خیلی محبوب است	الجنرال قاسم سليمان له شعبية كبيرة في بلدنا	قاسم سليمان إله شعبية كبيرة ببلدنه
ایران از اول انقلاب همه ی مردمان مظلوم دنیا را حمایت می کند	تدافع إيران منذ انتصار الثورة ولحد الآن عن الشعوب المظلومة في العالم	إيران من بداية الثورة اذافع عن مظلومي العالم
خداوند امام خمینی را رحمت کند	رحمة الله على الإمام الخميني / الله يرحم الإمام الخميني	

اسکان

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
هل تعرف أين أستطيع أن أجد فندقا رخيصا؟	تدري وين أگدر ألگی فُنْدُق رِخِیص؟	می دونی هتل ارزان کجایم تونم پیدا کنم؟
هل لديکم غرف فارغة؟	عندک / عِدْکُم غرفه فارغه؟	آیا اتاق خالی دارید؟
ما هی امکاناتها / تجهیزاتها	شنو امکاناتهه / تجهیزاتهه	چه امکاناتی دارد؟
أین أستطيع أن أجد فندقا بغرف فارغة؟	وين أگدر ألگی فندق بی عُرف فارغه؟	کجایم تونم هتل با اتاق خالی پیدا کنم؟
متی تتوفر لک غرف فارغة؟	شَوکِتْ تُصیرْ عِنْدَکْ غرف فارغه؟	کی اتاق خالی دارید؟
متی تحضر الغرفة؟ متى تكون الغرفة جاهزة؟	شَوکِتْ تَحْضَرِ الغرفة؟	اتاق کی آماده می شود؟
بکم أجرتها لیلیّا؟	شَکْدْ أَجْرَتَهه بَکُلْ لیلَه؟	کرایه ی آن شبی چقدر است؟
جیدة. أريد الغرفة	زینه. أريد الغرفة	خوب است. اتاق را می خواهم
لا، سعرها غال	لا، سعرهه غالی	نه، قیمت آن زیاد است
ألا توجد لديکم غرف أرخص؟ / ألا تخفّض؟	ما عدکم غرف أرخص؟ / مَتَخَفِّض؟	ارزان تر ندارید؟ / تخفیف نمی دهید؟
هل لديکم مَصْعَد؟	مَصْعَدْ هَمْ عِدْکُم.	آسانسور هم دارید؟

دورمرز

فارسی	عربی فصیح	عربی عراقی
بفرمایید، این گذر نامه ی من است	تفضل هذا جوازی.	
برای اربعین آمده ام	جئت لزيارة الأربعين.	جیت لزيارة الأربعین.
کی اجازه ی ورود می دهید؟	متی تسمحون لنا بالدخول؟	شوکت تَخْلُونَا نِدْخُلْ؟

جملات محبت آمیز و تعارفی

عربی فصیح	عربی عراقی	فارسی
أَنْتُمْ الْعِرَاقِيِّينَ فِي قِمَّةِ الْعِزِّ وَالْكَرَامَةِ	إِنْتَوِ الْعِرَاقِيِّينَ بِقِمَّةِ الْعِزِّ وَالْكَرَامَةِ	شما عراقی ها درقله های عزت هستید
أَنْتُمْ شَعْبٌ شَجَاعٌ وَبَطْلٌ	إِنْتَوِ شَعْبٌ شَجَاعٌ وَبَطْلٌ	شما مردمی شجاع و دلیر هستید
	أَنْتُمْ فِي قِمَّةِ الْكَرَامَةِ. / إِنْتَوِ بِقِمَّةِ الْكَرَامَةِ	شما درقله های کرامت هستید
كِرْمَكُم لَيْسَ لَهُ نَظِيرٌ فِي الْعَالَمِ	كِرْمَكُم مَا إِلَهَ نَظِيرٌ بِالْعَالَمِ	کرامت شما در دنیا بی نظیر است
اللَّهُ يَرْحَمُ وَالِدَيْكَ		خدا پدر و مادرت رو بیامرزه
أَنْتُمْ فَخْرٌ لَنَا / أَنْتُمْ مَفْخَرَةٌ لَنَا	إِنْتَوِ فَخْرٌ إِلَنَهْ / إِنْتَوِ مَفْخَرَةٌ إِلَنَهْ	شما افتخار ما هستید
مَأْجُورٌ / مَأْجُورِينَ		خدا اجرت بده
اللَّهُ يَسَاعِدُكَ / حَيَاكَ اللَّهُ / هَنِيئًا		خسته نباشی / زنده باشی / نوش جونت
صَارَتْ زَحْمَةٌ عَلَيْكُمْ، شُكْرًا جَزِيلًا		خیلی زحمت کشیدید ممنون
أَنْتُمْ إِخْوَتُنَا	إِنْتَوِ إِخْوَتَنَهْ	شما برادران ما هستید
نَحْنُ الْإِيرَانِيِّينَ نَحْبَبُكُمْ كَثِيرًا	إِحْنَه الْإِيرَانِيِّينَ هَوَايَه نَحْبَبُكُمْ	ما ایرانی ها خیلی شما رو دوست داریم
عَاشَ الْعِرَاقُ وَعَاشَ شَعْبَةُ الْغَيُورِ	عَاشَ الْعِرَاقُ وَعَاشَ شَعْبَةُ الْغَيُورِ	زنده باد عراق و ملت غیور عراق
تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكُمْ / تَقَبَّلَ اللَّهُ أَعْمَالَكُمْ		خدا از شما قبول کند
تَقَدَّمْ / تَقَدَّمُوا		بفرمایین اول شما
أَجْرُكُمْ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع)		اجرتان با امام حسین(ع)
كَانَ لَذِيذًا جَدًّا، عَاشَتْ يَدَاكَ	كُلُّش طَيِّبٌ چَان عَاشَتْ إِيْدَكَ	خوشمزه بود دست شما درد نکنه

ضرب المثل های عربی

عاقبت جوینده یا بنده بود	مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ وَجَدَ
هر که با حق در افتد ور افتد	مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعه
یک دست صدا ندارد	الْيَدُ الْوَاحِدَةُ لَا تُصَفِّقُ
گل بی خار خداست	مَنْ طَلَبَ أَخاً بَلَا عَيْبَ بَقِيَ بَلَا أَخ
چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی	مَنْ حَفَرَ بئراً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا
گنج خواهی در طلب رنجی بیر	مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي
هر سخنی جایی و هر نکته مکانی دارد	لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ
حرف حرف میاره	الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامُ
هیچ کس نمی گوید ماست من ترش است	لَا يَمْدَحُ الْعُرُوسَ إِلَّا أَهْلُهَا
دست بالای دست بسیار است	لِكُلِّ فِرْعَوْنَ مُوسَى
زخم زبان از زخم شمشیر بدتر است	كَلِمُ اللَّسَانِ أَنْكِي مِنْ كَلِمِ السِّنَانِ
کار امروز را به فردا میفکن	لَا تُؤَخِّرْ عَمَلَ الْيَوْمِ إِلَى غَدٍ
نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار	لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ
آدم خردمند دوبار از یک سوراخ نیش نمی خورد	لَا يَلْدَغُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرٍ مَرَّتَيْنِ
دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی	عِنْدَ الشَّدَائِدِ تَعْرِفُ الْإِخْوَانُ
کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز	الطَّيُورُ عَلَى أَشْكَالِهَا تَقَعُ
گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی	الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ

أظهر من الشمس	آشکارتر از خورشید است
خير الناس من ينفع الناس	بهترین مردم کسی است که به مردم نفعی برساند
بيضة اليوم خير من دجاجة الغد	سیلی نقد به از حلوای نسیه
السكوت أخو الرضا	سکوت علامت رضاست
حبه حبه تصبح قبه	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود
خير الأمور أوسطها	اندازه نگهدار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست
خير البر عاجله	در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست
خير الكلام ما قلّ و دلّ	کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ تا ز اندک تو جهان شود پر
خالف تُعرف	مخالفت کن تا مشهور شوی
لم يَفْتْ مَنْ لَمْ يَمُتْ	ماهی را هر موقع از آب بگیری تازه است
الفائت لا يُستدركُ	آب رفته به جوی نیاید
كالقايضِ على الماء	آب در هاون کوفتن - باد در قفس کردن
مِنَ الْقَلْبِ إِلَى الْقَلْبِ	دل به دل راه دار
مِنْ كَثْرِهِ مَلَأَ حِيَهَا غَرَقَتِ السَّفِينَةُ	آشپز که دو تا شد آش یا شور می شود یا بی نمک
كُلَّ كَلْبٍ بِبَابِهِ نَبَاحٌ	هر سگ به درخانه خویش است دلیر
المرءُ بخليله	بگو با که ای، تا بگویم که ای - تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که کیستی؟
مَنْ يَمْشِي يَرْضَى بِمَا رَكِبَ	کاچی به از هیچی

الغمرات ثمَّ يَنْجَلِينَ	پایان شب سیه سفید است
أَعْطِ الْقَوْسَ بَارِيهَا	کار را باید به کاردان سپرد
لَا تَطْرَحِ الدَّرَّ أَمَامَ الْكَلْبِ	قدر زر زرگر شناسد
مَا لَا يُدْرِكُ كُلَّهُ لَا يَتْرَكُ كُلَّهُ	آب دریا را اگر نتوان کشید - هم به قدر تشنگی باید چشید
الْمَاضِي لَا يُذَكَّرُ	گذشته ها گذشته
يَأْكُلُنِي سَبْعٌ وَلَا يَأْكُلُنِي كَلْبٌ	همه را برق می گیرد ما را چراغ نفتی
لَوْ اتَّجَرْتَ بِالْأُكْفَانِ مَا مَاتَ أَحَدٌ	اگر لب دریا بروی خشک می شود
تَرَكَ الْجَوَابَ عَلَى الْجَاهِلِ جَوَابٌ	جواب ابلهان خاموشی است
مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعه	هر که با حق درافتد و رافتد
يَا طَبِيبُ طِبِّ نَفْسِكَ	تو که لالایی بلدی چرا خوابت نمی برد؟!
الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِمِهَا	کار را که کرد ؟ آن که تمام کرد
غَدَاوَةٌ مَرْهُونٌ بَعَثَائِهِ	هشتش گروی نه است
الشَّيْبُ كُلُّهُ عَيْبٌ. يَا شَايِبٌ وَ عَايِبٌ .	پیری و هزار عیب
أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي.	نمک خوردی و نمکدان شکستی
الْعَنْقُودُ الْعَالِي حُضْرُمٌ.	دستش به انگور نمی رسد می گوید : ترش است
مَا كُلُّ بَيْضَاءَ شَحْمَةٌ	هر گردی ، گردو نیست
لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ.	شنیدن کی بود مانند دیدن

اعداد و ایام هفته

اعداد شمارشی

صفر	صِفِر
یک	وَاحِد
دو	إِثْنَان
سه	ثَلَاثَة
چهار	أَرْبَعَة
پنج	خَمْسَة
شش	سِتَّة
هفت	سَبْعَة
هشت	ثَمَانِيَة
نه	تِسْعَة
ده	عَشْرَة

اعداد ترتیبی

اول	(مذكر) أوَّل / أولى (مونت)
دوم	الثَّانِي / الثَّانِيَة
سوم	الثَّالِث / الثَّالِثَة
چهارم	الرَّابِع / الرَّابِعَة
پنجم	الخَامِس / الخَامِسَة
ششم	السَّادِس / السَّادِسَة
هفتم	السَّابِع / السَّابِعَة
هشتم	الثَّامِن / الثَّامِنَة
نهم	التَّاسِع / التَّاسِعَة
دهم	العَاشِر / العَاشِرَة

اعداد شمارشی	
سی	ثلاثون
چهل	أربعون
پنجاه	خمسون
شست	ستون
هفتاد	سبعون
هشتاد	ثمانون
نود	تسعون
صد	مئة

اعداد شمارشی	
یازده	أحدَ عشر / إحدى عشرة
دوازده	إثنی عشر / اثنتا عشرة
سیزده	ثلاثة عشرة
چهارده	أربعة عشرة
پانزده	خمسة عشرة
شانزده	ستة عشرة
هفده	سبعة عشرة
هجده	ثمانية عشرة
نوزده	تسعة عشرة
بیست	عشرون

ایام هفته	
شنبه	يَوْمُ السَّبْتِ
یک شنبه	يَوْمُ الْأَحَدِ
دو شنبه	يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ
سه شنبه	يَوْمُ الثَّلَاثَاءِ
چهار شنبه	يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ
پنج شنبه	يَوْمُ الْخَمِيسِ
جمعه	يَوْمُ الْجُمُعَةِ

اعداد ترتیبی	
دویست	مِئَتَيْنِ
سی صد	ثَلَاثَ مِئَةٍ
چهار صد	أَرْبَعَةَ مِئَةٍ
پانصد	خَمْسَةَ مِئَةٍ
شش صد	سِتَّةَ مِئَةٍ
هفت صد	سَبْعَةَ مِئَةٍ
هشت صد	ثَمَانِيَةَ مِئَةٍ
نه صد	تِسْعَةَ مِئَةٍ
هزار	أَلْفَ



عربفا



arabifa.com



utarabic

عزیزتین

امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البته مخصوص شیعه نبود، سنی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد میکنند.

من همین‌جا مناسب میدانم و لازم میدانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار میگیرد، این جور انعکاس پیدا میکند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دلهایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.

بزرگوار است
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
۱۳۹۳/۱۰/۱۹

قال النبی حسین مظلومان حسبن